

برای انقلاب کردن حزبی انقلابی احتیاج است. بدون یک حزب انقلابی، بدون حزب انقلابی ای که بر اساس تئوری انقلابی مارکسیزم-لنینیسم (- مائویسم) و به سبک انقلابی مارکسیستی - لنینیستی (- مائویستی) پایه گذاری شده باشد، نمی توان طبقه کارگر و توده های وسیع مردم را برای غلبه بر امپریالیسم و سگهای زنجیری اش رهبری کرد.
(مائوتسه دون)



ارگان مرکزی

حزب کمونیست افغانستان

شماره یازدهم دوره دوم 5 جدي (26 دسامبر) سال 1372 (1993)

ویژه 26 دسامبر 1993، صدمین تولد مائوتسه دون

اوج جشن فراموش ناشدنی

جنبش انقلابی انترناسیونالیستی ویکایک اعضای آن - منجمله حزب کمونیست افغانستان افتخار دارند که جشن صدمین سالگرد تولید مائوتسه دون را به نحو فراموش ناشدنی برگزار می نمایند. برگزاری این جشن یک سال قبل براه افتاد و اینک در 26 دسامبر 1993 که مصادف با صدمین سالروز تولد مائوتسه دون است به اوج خود رسیده است.

در اوج برگزاری این جشن باشکوه مهمترین مطلب و دارای اهمیت درجه اول و عمده اعلام رسمی مارکسیزم - لنینیسم - مائویسم بعنوان ایدئولوژی رهنما از سوی جنبش انقلابی انترناسیونالیستی است. از زمان تشکیل جنبش انقلابی انترناسیونالیستی تا حال جنبش ما طبق اصطلاح مورد استفاده در بیانیه اش ایدئولوژی رهنمای خود را مارکسیزم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون می خواند که بهر حال نشان دهنده درک ناکافی از سومین مرحله تکاملی کمونیسم انقلابی بود. علیرغم اینکه سیر مبارزات سالهای گذشته اکثریت قریب به اتفاق اعضای جنبش را به اتخاذ مارکسیزم - لنینیسم - مائویسم رسانده بود. اما موضع گیری رسمی خود جنبش - بصورت یک کل - در این زمینه، آن گام کیفی مهمی بود که باید برداشته می شد. سرانجام پس از پیشبرد مبارزات مهم و طولانی عملی و نظری توسط کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی و تمامی اعضای جنبش، " جا آ " قادر گردید که این گام تاریخی را برداشته و ایدئولوژی رهنمای خود را مارکسیزم - لنینیسم - مائویسم بخواند و این امر را به مناسبت صدمین سالگرد تولد مائوتسه دون رسماً اعلام نماید " سند " زنده باد مارکسیزم - لنینیسم - مائویسم " که مواضع جنبش ما را در مورد ایدئولوژی رهنما " (م . ل . م) بصورت فوق العاده اصولی و منظم بیان می نماید، در همین شماره " شعله جاوید " درج گردیده است. با تصویب و انتشار این سند که ضمیمه بیانیه جنبش انقلابی انترناسیونالیستی محسوب می گردد هر سمت مارکسیزم - لنینیسم - مائویسم توسط خود جنبش - به مفهوم کلید جنبش - تصویب گردیده و دیگر صرفاً بیانگر مواضع این یا آن عضو " جا آ " نمی باشد.

اتخاذ رسمی مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم توسط جنبش انقلابی انترناسیونالیستی، اگر از یکجانب ارتقاء ایدئولوژیک - سیاسی تمام جنبش ما را نشان می دهد، از جانب دیگر سطح وحدت ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی آنرا نیز بالا برده است. این چنین است که جنبش ما گام کیفی مهمی در جهت تشکیل انترناسیونال نوین کمونیستی برداشته و مجهز تر و متحد تر از پیش، درین عرصه و سایر عرصه های مبارزاتی به پیش می رود.

علاوتاً جنبش ما، به مناسبت صدمین سالروز تولد مائوتسه دون، تحلیلش را در مورد اوضاع فعلی جهان، با در نظر داشت تحولات بعد از زمان انتشار بیانیه، اعلام داشته است. سند " درباره اوضاع جهانی " که توسط " جا آ " تصویب شده و مواضعش را درین مورد بیان می نماید و همانند سند " زنده باد مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم " ضمیمه بیانیه جنبش به شمار می رود، نیز بخشی از متن شماره فعلی " شعله جاوید " را دربر گرفته است.

از زمان دستگیری صدرگونزالو (12 سپتامبر 1992) تا حال کارزار بین المللی منظم و گسترده ای در دفاع از انقلاب پرو و جنگ خلق در پرو به شکل مشخص " دفاع از جان صدرگونزالو " توسط کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی و تمامی اعضای جنبش، به پیش برده شده است. این کارزار که نیروهای سیاسی متحد غیر مائوئیستی و در دهها هزار نفر از اقشار مختلف توده های مردم را در سراسر جهان نیز درگیر مبارزه برای دفاع از جان صدرگونزالو و در نتیجه دفاع از انقلاب پرو نموده است، مهمترین کارزار مبارزاتی جنبش ما از زمان تشکیل آن تا حال شمرده می شود. ضرورت جمع بندی، تنظیم بهتر فعالیت ها در آینده و مشخصاً مقابله علیه مصاف طلبی های تازه ای که توسط ارتجاع و امپریالیزم علیه انقلاب پرو برافزوده و جنگ روانی بخش مهم آنرا تشکیل می دهد، ایجاب می نمود که جنبش ما در سطح عالی تری، در کلیت خود، به دفاع از انقلاب پرو بپردازد. قطعنامه ای که درین مورد توسط جنبش انقلابی انترناسیونالیستی، به مناسبت صدمین سالروز تولد مائوتسه دون، تصویب و منتشر گردیده، یکی دیگر را از اسناد شامل در صفحات همین شماره " شعله جاوید " می باشد. این قطعنامه اولین قطعنامه ای است که توسط " جنبش انقلابی انترناسیونالیستی " - به مثابه یک پل - در دفاع از انقلاب پرو و جان صدرگونزالو، امضاء گردیده است. تصویب و انتشار این قطعنامه، تعهد تمام جنبش، کمیته آن و یکایک اعضای آنرا در دفاع از جنگ خلق در پرو و دفاع از جان صدرگونزالو، به سطح نوینی ارتقاء داده است.

حزب ما، به مثابه یک حزب مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی و عضو جنبش انقلابی انترناسیونالیستی، از زمان شروع کارزار بزرگداشت صدمین سالگرد تولد مائوتسه دون در چهارچوب شرایط خاص و وضعیت ویژه خود و با طرح و تطبیق شعار های مورد لزوم مبارزاتی اش، درین کارزار سهم گیری نموده است. حزب کمونیست افغانستان، انتشار اعلامیه " در بزرگداشت صدمین سالگرد تولد مائوتسه دون " را به مثابه فعالیت خاص 26 دسامبر 1993 روی دست گرفته است. این اعلامیه که باید هر چه وسیع تر، در داخل و خارج کشور، پخش گردد، اولین اعلامیه وسیع الانتشار حزب ما از زمان تشکیل آن تا حال است. انتشار این اعلامیه گام آغازینی است برای طرح و تبلیغ هرچه وسیعتر مواضع حزب ما در میان اقشار مختلف مردم و در نتیجه آغاز مرحله نوینی از فعالیت های تبلیغاتی و عملی حزب.

اعلامیه " در بزرگداشت صدمین سالگرد تولد مائوتسه دون " علاوه بر پخش و توزیع جداگانه، وسیع، در شماره فعلی " شعله جاوید " نیز درج گردیده است، تا از این طریق یکبار دیگر مواضع مندرج در آن تبلیغ گردد.

باین ترتیب جنبش ما و به مثابه بخشی از صفوف آن، حزب ما در اوج برگزاری جشن صدمین سالگرد تولد مائوتسه دون، به سطح نوینی از ارتقای ایدئولوژیک - سیاسی به تعهد مبارزاتی

دست می یابند و با پافشاری هرچه بیشتر و پر کیفیت تر بر پیشروی در مسیر ترسیم شده توسط رهبران و آموزگاران کبیر پرولتاریای جهانی - مارکس ، لنین و مائوتسه دون - تجلیل فراموش ناشدنی ای از صدمین سالگرد تولد مائوتسه دون بعمل می آورند .

کارزار بزرگداشت صدمین سالگرد تولد مائوتسه دون در 26 دسامبر 1993 ، اختتام نمی پذیرد . بلکه در طول چند ماه اول سال 1994 (تا اول می 1994) نیز ادامه می یابد . اجرای فعالیت های بیشتری برای برگزاری هرچه با شکوه تر این جشن فرخنده ، در روزها و هفته های آینده مورد نیاز است .

فرخنده باد جشن صدمین
سالگرد تولد
مائوتسه دون

زنده باد مارکسیزم - لنینیزم - مائونیزم

مقدمه :

جنبش انقلابی انترناسیونالیستی به سال 1984 تشکیل شد و بدین ترتیب هسته انقلابیون مائونیست جهان که عزم پیشبرد نبرد در راه ایجاد جهانی عاری از استثمار و ستم ، جهانی بدون امپریالیزم ، جهانی بدون تمایزات طبقاتی ، جهان کمونیستی آینده را کرده بودند بوجود آمد . از زمان تاسیس جنبش ، پیشروی ما ادامه یافته و امروز عمرمان با صدمین سالگرد تولد مائوتسه دون ، با درک عمیق مسئولیتی که بر دوش داریم ، به پرولتاریای بین المللی و توده های جهان اعلام می کنیم که ایدئولوژی رهبری ما مارکسیزم - لنینیزم - مائونیزم است .

جنبش ما بر پایه بیانیه جنبش انقلابی انترناسیونالیستی مصوبه دومین کنفرانس بین المللی احزاب و سازمانهای مارکسیست - لنینیست به سال 1984 تشکیل شد . بیانیه از ایدئولوژی انقلابی پرولتری به دفاع بر می خیزد و بر آن پایه ، به وظایف کمونیستهای انقلابی کشورهای مختلف و در مقیاس جهانی ، به تاریخ جنبش بین المللی کمونیستی و شماری مسائل حیاتی دیگر برخوردی عمدتاً صحیح اختیار می کند . امروز بار دیگر تأکید می کنیم که بیانیه شالوده محکمی برای جنبش ماست که بر پایه آن به وضوح بیشتر و شناخت عمیق تری ایدئولوژی خویش ، و وحدت مستحکمتری در صفوف جنبش مان دست می یابیم .

بیانیه به درستی به " تکامل کیفی علم مارکسیزم - لنینیزم توسط مائوتسه دون و این که وی این علم را به " مرحله ای نوین " ارتقا داده تأکید می کند . با این وجود استفاده از عبارت مارکسیزم - لنینیزم - اندیشه مائوتسه دون در بیانیه ما ، بازتاب شناخت کماکان ناقص از این مرحله جدید بود . طی 9 سال اخیر ، جنبش ما در گیر بحث و مبارزه طولانی ، غنی و همه جانبه برای دستیابی به درکی کاملتر در مورد تکامل مارکسیزم توسط مائوتسه دون بوده است . طی همین دوره تک تک احزاب و سازمانهای جنبش ما و جنبش انقلابی انترناسیونالیستی بطور کل ، در گیر مبارزه انقلابی علیه امپریالیزم و ارتجاع بوده است مهمترین این مبارزات ، تجربه پیشرفته جنگ خلق تحت رهبری حزب کمونیست پرو است که موفق به بسیج میلیونها توده ، محو دولت کهن در بخش های بسیاری از کشور و برقراری قدرت کارگران و دهقانان در این مناطق شده است . این پیشرفتهای تئوریک و پراتیک ما را قادر ساخت که درک خود را از ایدئولوژی

پرولتري عمیقتر کنیم و بر این پایه گام بلند تري بر داریم . یعنی مارکسیزم – لنینیزم – مائوئیزم را به عنوان مرحله جدید ، سومین و عالیترین مرحله مارکسیزم بشناسیم .

مرحله جدید سومین و عالیترین مرحله مارکسیزم

مائوتسه دون در زمینه یکرشته مسائل جهانی انقلاب ، تزهایی بسیاری را به دقت تدوین کرد . اما مائوئیزم فقط جمع جبری خدمات عظیم مائوئیست . بلکه تکامل فراگیر و همه جانبه مارکسیزم – لنینیزم به مرحله ای جدید و عالیتر است . مارکسیزم – لنینیزم – مائوئیزم يك كل واحد است ؛ ایدئولوژی پرولتاریاست که به به مراحل نوینی سنتز شده و تکامل یافته است : از مارکسیزم به مارکسیزم – لنینیزم و سپس به مارکسیزم – لنینیزم – مائوئیزم . اینکار توسط کارل مارکس ، ولادیمیر ایلیچ لنین و مائوتسه دون بر پایه تجربه مبارزه طبقاتی ، مبارزه تولیدی و آزمونهایی علمی پرولتاریا و نوع بشر انجام گشته است . مارکسیزم – لنینیزم – مائوئیزم سلاح شکست ناپذیری است که پرولتاریا را قادر به فهم جهان و تغییر آن از طریق انقلاب می کند . مارکسیزم – لنینیزم – مائوئیزم ایدئولوژی علمی وزنده ای است که پیوسته تکامل می یابد و کار بردی جهانشمول دارد . بکار بست این ایدئولوژی در انجام انقلاب و نیز پیشرفت عمومی دانش بشر ، آن را غنی تر می کند . مارکسیزم – لنینیزم – مائوئیزم دشمن هر شکلی از رویونیسم و دگماتیسم است . این ایدئولوژی قدرتی عظیم دارد زیرا حقیقت است .

کارل مارکس

نزدیک به 150 سال پیش ، کمونیسم انقلابی برای نخستین بار توسط کارل مارکس بوجود آمد . او به کمک رفیق همدوش خود ، فردریش انگلس ، يك دستگاه فراگیر فلسفی یعنی ماتریالیسم دیالکتیک را بوجود آورد و قوانین پایه ای شکل گیری تاریخ بشر را کشف نمود .

علم اقتصاد سیاسی مارکس پرده از راز استثمار پرولتاریا و آناشویی و تضادهای ذاتی شیوه تولید سرمایه داری برداشت . کارل مارکس تئوری انقلابی خویش را در ارتباط نزدیک با مبارزه طبقاتی پرولتاریایی بین المللی و در خدمت به آن پروراند . او انترناسیونال اول را ایجاد کرد و به همراه انگلس مانیفیست کمونیست را نوشت که فراخوانی طنین افکن داشت : " کارگران همه کشورها ، متحد شوید ! مارکس توجه عظیمی به درس های کمون پاریس ، یعنی نخستین تلاش بزرگ پرولتاریا بسال 1871 جهت کسب قدرت دولتی ، مبذول داشت و این درسها را جمع بندی کرد .

او به پرولتاریای جهانی آموختاند که رسالت تاریخی عبارتست از کسب قدرت سیاسی از طریق انقلاب و استفاده از این قدرت (دیکتاتوری پرولتاریا) برای دگرگون کردن شرایط اجتماعی تا بدانجا که کلیه زمینه های تقسیم جامعه به طبقات مختلف ، محو شود .

مارکس مبارزه علیه فرصت طلبان درون جنبش پرولتري را رهبري کرد . این فرصت طلبان در پی آن بودند که مبارزه کارگران را به چارچوبه مبارزه برای بهبود شرایط بردگی مژدی محدود کنند و نگذارند که کارگران به مبارزه علیه موجودیت این بردگی بر خیزند .

موضع ، دیدگاه و روش مارکس به همراه هم ، مارکسیزم نام گرفت . مارکسیزم معرف نخستین قله عظیم در مسیر تکامل ایدئولوژی پرولتاریاست .

ولادیمیر ایلیچ لنین

ولادیمیر ایلیچ لنین در جریان رهبری جنبش انقلابی پرولتری در روسیه و مبارزه علیه رویزیونیزم درون جنبش بین المللی کمونیستی، مارکسیزم را تکامل داد.

در میان خدمات بسیار لنین، از تحلیل وی در مورد تکامل سرمایهداری به عالیترین و آخرین مرحله خود یعنی امپریالیزم، باید نام برد. او نشان داد که جهان به مشت‌های قدرتهای امپریالیستی و اکثریتی عظیم که خلقها و ملل ستمدیده را در بر می‌گیرد، تقسیم شده است. لنین نشان داد که قدرتهای امپریالیستی مجبورند دوره به دوره جهت تقسیم مجدد جهان میان خود، درگیر جنگ شوند. لنین عصری که ما در آن بسر می‌بریم را به عنوان عصر امپریالیزم و انقلابات پرولتری تشریح نمود. او حزب سیاسی تراز نوین، حزب کمونیست را به عنوان ابزار ضروری پرولتاریا جهت رهبری توده‌های انقلابی در مسیر کسب قدرت بنیان نهاد.

مهمتر از همه اینکه، لنین در جریان رهبری پرولتاریا در کسب قدرت سیاسی، یعنی برقراری دیکتاتوری انقلابی، و تحکیم آن که برای اولین بار در تاریخ با پیروزی انقلاب اکتبر 1917 در روسیه تزاری سابق رخ داده تئوری و پراتیک انقلاب پرولتری راسطی کاملاً نوین ارتقاء داد.

لنین مبارزه‌ای جهانی را علیه رویزیونیست‌ها در دوره خود، درون انترناسیونال دوم به پیش برد. این رویزیونیستها به انقلاب پرولتری خیانت کرده، کارگران را به دفاع از منافع اربابان امپریالیست خودی در جنگ جهانی اول فرامی‌خواندند.

"توپهای اکتبر" و مبارزه لنین علیه رویزیونیزم، جنبش کمونیستی را هر چه بیشتر در سراسر جهان اشاعه داده مبارزات خلقهای ستم‌دیده را با انقلاب جهانی پرولتری متحد کرد و انترناسیونال سوم (کمونیستی) تشکیل شد.

تکامل همه جانبه و فراگیر مارکسیزم توسط لنین معرف دومین جهش عظیم در تکامل ایدئولوژی پرولتری است.

بعد از مرگ لنین، ژوزف استالین از دیکتاتوری پرولتاریا در برابر دشمنان داخلی و تجاوزگران امپریالیست طی جنگ دوم جهانی دفاع کرد و امر ساختمان و تحول سوسیالیستی در اتحاد شوروی را به پیش برد. استالین برای اینکه جنبش بین المللی کمونیستی، مارکسیزم - لنینیزم را بعنوان دومین قله عظیم در تکامل ایدئولوژیک پرولتری برسمیت بشناسد مبارزه کرد.

مائوتسه دون

مائوتسه دون دهها سال انقلاب چین و مبارزه جهانی علیه رویزیونیزم مدرن را رهبری کرد و از همه مهمتر در تئوری و پراتیک، به روش ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا جهت جلوگیری از حمایت سرمایه داری و استمرار پیشروی بسوی کمونیزم، دست یافت. در جریان رهبری این مبارزات او مارکسیزم - لنینیزم را به مرحله جدید و عالیتر تکامل داد. مائوتسه دون هر سه جزء منشکله مارکسیزم یعنی فلسفه، اقتصاد سیاسی و سوسیالیزم علمی را به نحو عظیم تکامل داد.

مائو گفت: "قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون می‌آید" او دانش نظامی پرولتاریا را از طریق تئوری و پراتیک جنگ خلق به نحو فراگیر تکامل داد. مائو آموزش داد که در پیشبرد جنگ، انسان تعیین‌کننده است نه سلاح. او خاطر نشان نمود که هر طبقه‌ای صاحب شکل خاصی از جنگ با خصلت، اهداف و ابزار خاص خود می‌باشد. او تأکید کرد که کل منطق نظامی را می‌توان در بین اصل خلاصه کرد: "تو به شیوه خود بجنگ، من به شیوه خود می‌جنگم" و اینکه پرولتاریا باید استراتژی نظامی و تاکتیک‌های اتخاذ کند که امتیازات ویژه او را به میدان آورد و این کار از طریق برانگیختن توده‌ها و اتکاء به ابتکار عمل و شور و شوق انقلابی آنان ممکن می‌شود.

مأثو ثابت کرد که سیاست فتح مناطق پایگاهی و استقرار منظم قدرت سیاسی، برای برانگیختن توده ها و توسعه توان نظامی آنان و گسترش موج وار قدرت سیاسی خلق، کلیدی است. مصرانه بر ضرورت هدایت توده ها در مناطق پایگاهی برای انجام تحولات انقلابی و توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این مناطق در خدمت به پیشروی جنگ انقلابی، تاکید کرد. طبق آموزش مأثو حزب باید بر تفنگ حکم براند و هرگز نباید اجازه داد تفنگ برحزب مسلط شود. حزب باید بعنوان ابزاری که توان براه انداختن و هدایت جنگ انقلابی را داشته باشد، ساخته شود. او تاکید کرد که وظیفه مرکزی انقلاب، کسب قدرت سیاسی از طریق قهرانقلابیست. تئوری جنگ خلق که توسط مأثو توسعه دهنده شده بطور جهانشمول در همه کشورها کاربرد دارد، اما باید طبق شرایط مشخص هر کشور بکار بسته شود. بویژه باید راه های انقلاب در انواع کلی از کشورهای جهان یعنی کشورهای امپریالیستی و کشورهای تحت سلطه را در نظر گرفت.

مأثو مسائل مربوط بانجام انقلاب در کشورهای تحت سلطه امپریالیزم را حل کرد. راهی که او برای انقلاب چین ترسیم نمود معرف خدمتی بی حساب به تئوری و پراتیک انقلاب بوده و بطور پایه ای رهنمائی کسب رهایی در کشورهای تحت ستم امپریالیزم است. این به معنی جنگ دراز مدت خلق، محاصره شهرها از طریق دهات، که در آن مبارزه مسلحانه شکل عمده مبارزه و ارتش تحت رهبری حزب شکل عمده تشکیلات توده هاست، بسیج دهقانان بویژه دهقانان فقیر، انجام انقلاب ارضی، ساختن جبهه متحد تحت رهبری حزب کمونیست جهت انجام انقلاب دموکراتیک نوین علیه امپریالیزم، فنودالیزم و سرمایه داری بوروکرات و برقراری دیکتاتوری مشترک طبقات انقلابی تحت رهبری پرولتاریا بمنزله پیش درآمد ضروری برای انقلاب سوسیالیستی است که می باید فوراً بعد از پیروزی مرحله نخست انقلاب بدان گام گذاشت. مأثو تر "سه سلاح معجزه آسا" یعنی حزب، ارتش و جبهه متحد را جلو گذاشت. اینها ابزار لازم برای انجام انقلاب در تمامی کشورها بر طبق شرایط و راه انقلاب مشخص هر یک از آنهاست.

مأثو توسعه دهنده فلسفه پرولتری یعنی ماتریالیزم دیالکتیک را تکاملی عظیم داد. او بویژه تاکید کرد که قانون تضاد یعنی وحدت و مبارزه اضداد، قانون اساسی حاکم بر طبیعت و جامعه است. او خاطر نشان کرد که وحدت و همگونی تمامی امور موقتی و نسبی است. حال آنکه مبارزه اضداد بی وقفه و مطلق است و همین امر است که گسست های ریشه ای و جهش های انقلابی را باعث می شود. او استادانه چنین درکی را در تحلیل از مناسبات بین تئوری و پراتیک بکار بست و تاکید کرد که پراتیک، تنها منبع و هم معیار نهائی سنجش حقیقت است؛ و در رابطه این دو، برجش از تئوری به پراتیک انقلابی تاکید نمود. بدین ترتیب مأثو تئوری پرولتری شناخت را تکامل بیشتر ی بخشید. او فلسفه را از طریق فراگیر کردن، در دسترس توده های میلیونی قرارداد؛ در این رابطه می توان از اصل "یک به دو تقسیم می شود" نام برد که در ضدیت با تزرویزیونیستی "دو در یک ترکیب می شود" فراگیر شد.

مأثو توسعه دهنده این درک را توسعه بخشید که "توده ها فقط توده ها نیروی محرکه آفرینش تاریخ می باشند." او درک متکامل تری از مشی توده ای ارائه داد: "نظرات (پراکنده و نا منظم) تود ها را گرد آورید و متمرکز کنید (از طریق مطالعه آنها را به نظرات متمرکز و منظم تبدیل کنید) سپس به میان توده ها بروید و این نظرات را تبلیغ کرده، برای شان تشریح نمایند تا آنکه توده ها آنها را از آن خود دانسته، با آن یکی شده و در عمل پیاده کنند و صحت آنها را در عمل دریابند." مأثو با تاکید بر این حقیقت عمیق که ماده و شعور می توانند متقابلاً با یکدیگر تبدیل شوند، درک متکامل تری از نقش پویا و آگاهانه انسان در تمامی عرصه های تلاش بشری، ارائه داد.

مأثو توسعه دهنده مبارزه بین المللی علیه رویزیونیزم مدرن به سرکردگی رویزیونیستهای خروشچفی را رهبری کرد. اواز خط ایدئولوژیک - سیاسی کمونیستی در مقابل رویزیونیستهای مدرن بدفاع

برخاست و انقلابیون پرولتري راستین را به گسست از رویونیستها و ایجاد احزابی متکی بر اصولی مارکسیستی - لنینیستی مائوئیستی فراخواند.

مائوتسه دون تحلیلی نافذ از درسهای احیای سرمایداري در اتحاد شوروی و کمبودها و دستاوردهای مثبت ساختمان سوسیالیزم در آن کشور بعمل آورد. مائو در عین دفاع از خدمات بزرگ استالین، اشتباهات وی را جمع بندی کرده و به جمع بندی از تجربه انقلاب سوسیالیستی در چین و مبارزه در خط درون حزب کمونیست این کشور که مکرراً علیه مقررهای فرماندهی رویونیستی براه می افتد، پرداخت. او دیالکتیک ماتریالیستی را در تحلیل از تضادها و جامعه سوسیالیستی استادانه بکار بست.

طبق آموزش مائو، حزب در جریان مبارزه تاریخی برای کمونیزم، همراه - قبل از کسب قدرت، در جریان کسب قدرت و بعد از آن - باید نقشی پیشاهنگ را در رهبری پرولتاریا بازی کند. او درک متکامل تری از چگونگی حفظ خصلت انقلابی پرولتري حزب بوسیله مبارزه ایدئولوژیک فعال علیه تأثیرات بورژوائی و خرده بورژوائی در صفوف حزب، از طریق بازسازی ایدئولوژیک اعضای حزب، و انتقاد و انتقاداز خود و پیشبرد مبارزه دو خط علیه خطوط فرصت طلبانه و رویونیستی در حزب، ارائه داد. طبق آموزه مائو، بعد از اینکه پرولتاریا قدرت را کسب نمود و حزب به نیروی رهبری کننده دولت سوسیالیستی تبدیل شد، تضاد میان حزب و توده ها به تبارز فشرده ای از تضادهائی بدل خواهد گشت که مشخصاً جامعه سوسیالیستی (به منزله یک جامعه در حال گذار از سرمایه داری به کمونیزم) هستند.

مائوتسه دون درک پرولتاریا از اقتصاد سیاسی، نقش متناقض و پویایی خود تولید و رابطه متقابلش با روبنای سیاسی و ایدئولوژیک جامعه را تکامل بخشید. مائو آموزش داد که در مناسبات تولیدی، نظام مالکیت نقش تعیین کننده را دارد اما تحت سوسیالیزم باید متوجه بود که مالکیت همگانی هم در محتوی وهم در شکل سوسیالیستی باشد. او بر تأثیر متقابل نظام مالکیت سوسیالیستی و دوجنبه دیگر مناسبات تولیدی یعنی مناسبات بین افراد در روند تولید و نظام توزیع تأکید کرد. مائو این تر لنینیستی که سیاست تبارز فشرده اقتصاد است را توسعه بخشید و نشان داد که در جامعه سوسیالیستی، صحت خط ایدئولوژیک و سیاسی تعیین می کند که آیا پرولتاریا بواقع صاحب ابزار تولید است یا نه. او خاطر نشان کرد که قدرت یابی رویونیزم بمعنی قدرت یابی بورژوازی است و توجه به ماهیت متناقض زیربنای اقتصادی سوسیالیستی اگر رهروان سرمایه داری بقدرت برسند، استقرار مجدد نظام سرمایداري برایشان آسان خواهد بود.

او تئوری رویونیستی نیروهای مولده را عمیقاً مورد انتقاد قرار داد و چنین نتیجه گرفت که روبنا، آگاهی، می تواند زیر بنا را دگرگون کند و با قدرت سیاسی می توان نیروی مولده را تکامل داد. کل این بحث در این شعار مائو تجلی می یابد: "انقلاب را دریابید! تولید را بیافزائید!"

مائوتسه دون انقلاب فرهنگی کبیر پرولتاریا را براه انداخت و رهبری کرد. انقلاب محرک جهش عظیم در تجربه اعمال دیکتاتوری پرولتاریا بود. صدها میلیون نفر بپا خاستند تا رهروان سرمایه داری را سرنگون کنند. این رهروان سرمایه داری از درون جامعه سوسیالیستی سربلند کرده و بویژه درون رهبری خود حزب لانه کرده بودند (افرادی نظیر لئوشائوچی، لین پیاو و دون سیائوپینگ). مائو پرولتاریا و توده ها را در مصاف علیه رهروان سرمایه داری و تحمیل منابع، دیدگاه و اراده اکثریت عظیم در تمامی عرصه های که کماکان (حتی در جامعه سوسیالیستی) ملک طلق طبقات استثمارگر و شیوه تفکر آنها باقی مانده بود، رهبری کرد.

پیروزی های عظیم انقلاب فرهنگی برای یک دهه از احیاء سرمایه داری در چین جلوگیری نمود و به تحولات عظیم سوسیالیستی در زیر بنای اقتصادی و درآمزش و پرورش، ادبیات و هنر،

تحقیقات علمی و سایر بخش‌های روبنا انجامید. تحت رهبری مائو، توده‌ها زمینه‌های رشد سرمایه‌داری (مانند حق بورژوازی و جه‌تمایز بزرگ بین شهر و روستا کارگر و دهقانان و کارفکری و کاریدی) را محدودتر کردند.

میلیون‌ها کارگر و انقلابیون دیگر در جریان مبارزه ایدئولوژیک و سیاسی حاد، آگاهی طبقاتی و احاطه خویش بر مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم را به نحوی عظیم عمق بخشید، و در استفاده از قدرت سیاسی توانمندتر شدند. انقلاب فرهنگی بمنزله بخشی از مبارزه بین‌المللی و پرولتاریا به پیش برده شد و صحنه آموزش انترناسیونالیسم پرولتری بود.

در رابطه با تأمین دیکتاتوری پرولتاریا، مائو رابطه دیالکتیکی بین ضرورت رهبری انقلابی و نیاز به برانگیختن توده‌های انقلابی از پائین و اتکاء بر آنها را درک کرد. بدین ترتیب، تقویت دیکتاتوری پرولتری خود به معنی گسترده‌ترین و عمیق‌ترین دموکراسی پرولتری در جهان بود که تا آن زمان نظیر نداشت. در جریان انقلاب فرهنگی رهبران انقلابی قهرمانی چون جان چون چیائو پا به میدان گذارده و توده‌ها را در نبرد علیه رویزیونیست‌ها رهبری کردند و بعد‌ها درفش مارکسیزم - لنینیسم را در مواجهه با شکست تلخ همچنان در اهتزاز نگهداشتند.

لنین گفت: "فقط آنکس مارکسیست است که قبول مبارزه طبقاتی را به قبول دیکتاتوری پرولتاریا بسط دهد." در پرتو درسها و پیشرفتهای گران‌بهای که طی انقلاب فرهنگی کبیر پرولتاریائی تحت رهبری مائو شد، امروز می‌توان اظهار داشت فقط آنکس مارکسیست است که قبول دیکتاتوری پرولتاریا را به قبول موجودیت عینی طبقات، تضادهای انتاگونیستی طبقاتی، موجودیت بورژوازی در حزب و ادامه مبارزه طبقاتی تحت دیکتاتوری پرولتاریا در سراسر دوران سوسیالیسم تا فرا رسیدن کمونیسم بسط دهد. همانطور که مائو قویا اظهار داشت: "نا روشنی بر سر این مسئله به رویزیونیسم می‌انجامد."

احیای سرمایه‌داری که متعاقب کودتای ضد انقلابی 1976 بر رهبری هواکوفن و دن سیائوپین به وقوع پیوست، بهیچوجه نافی مائوئیسم با دستاوردهای تاریخی - جهانی و درسهای عظیم انقلاب فرهنگی کبیر پرولتاریائی نیست درست بر عکس؛ این شکست تائیدی است بر تئورهای مائو در مورد خصلت جامعه سوسیالیستی و نیاز به ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا.

انقلاب فرهنگی کبیر پرولتاریائی بوضوح معرف یک حماسه انقلابی تاریخی - جهانی، یک جهان‌پیروزمند بریا کمونیستها و انقلابیون جهان، یک دستاورد جاودانی است. هرچند هنوز روند کاملی را باید از سر بگذرانیم، اما انقلاب فرهنگی درسهای عظیمی برای ما برجا نهاده که از هم اکنون آنها را بکار گرفته ایم. مثلاً این نکته که تحول ایدئولوژیک جهت کسب قدرت از جانب طبقه ما، اساسی است.

مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم :

سومین قله کبیر

مائو در جریان انقلاب چین مارکسیزم - لنینیسم - را در زمینه‌های پراهمیتی تکامل داده بود. اما در دوره انقلاب فرهنگی کبیر پرولتاریائی بود که ایدئولوژی ما جهشی کرد و سومین قله عظیم یعنی مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم کاملاً بظهور رسید. از فراز قله رفیع مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم کمونیستهای انقلابی توانستند آموزشهای رهبران کبیر قبلی را عمیقتر از قبل درک کنند و در واقع حتی خدمات قبلی مائوتسه دون معنای عمیقتری یافت. امروز بدون مائوئیسم، مارکسیزم، لنینیسم وجود ندارد. نفی مائوئیسم یقیناً بمعنای نفی مارکسیزم - لنینیسم است.

هریک از قله رفیع در مسیر تکاملی ایدئولوژی انقلابی پرولتاریا با مقاومت سختی روبرو شده و برسمیت‌شناساندن هر قله فقط از طریق مبارزه حاد و توسط بکار بست آن در پراتیک انقلابی

ممکن شده است . امروز جنبش انقلابی انترناسیونالیسم اعلام می کند که مارکسیزم – لنینیسم – مائوئیسم باید فرمانده و راهنمای انقلابی جهانی شود .

صد ها میلیون توده پرولتر و ستم دیده جهان بطور فزاینده ای به عرصه مبارزه علیه نظام جهانی امپریالیستی و کل ارتجاع کشانده می شوند . آنها در میدان نبرد با دشمن بدنبال درفش خویش می گردند . کمونیستهای انقلابی باید این ایدئولوژی جهانشمول را بکار گیرند آن را در بین توده ها اشاعه دهند تا برای کسب قدرت سیاسی از طریق قهر آنان را برانگیخته و قوایشان را سازمان دهند . در هر کجا که یک حزب مارکسیست – لنینیست – مائوئیستی متشکل در جنبش انقلابی انترناسیونالیستی موجود نیست ، باید ایجاد شود و هر آن جا که چنین حزبی موجود است باید تقویت شود تا جنگ خلق جهت کسب قدرت برای پرولتاریا و خلق ستمدیده را تدارک دیده ، براه انداخته و به پیش برد . ما باید درفش مارکسیزم – لنینیسم – مائوئیسم را بر افراشته ، از آن به دفاع بر خیزیم و از همه مهمتر ، آن را بکار بندیم .

ما باید مبارزه خویش را برای تشکیل یک انترناسیونال کمونیستی تراز نوین مبتنی بر مارکسیزم – لنینیسم – مائوئیسم را تشدید کنیم . انقلاب جهانی پرولتری بدون حدادی این سلاح نمی تواند به پیروزی دست یابد زیرا همانطور که مائوتسه دون بما آموزش داد ، یا همگی بسوی کمونیسم خواهیم رفت یا هیچکس نخواهد رفت .

مائوگفت : " مارکسیزم هزاران حقیقت را شامل می شود اما در تحلیل نهائی همه را می توان در یک جمله خلاصه کرد : " شورش برحق است " . " جنبش انقلابی انترناسیونالیستی شورش توده ها را نقطه عزیمت خویش قرار می دهد و پرولتاریا و انقلابیون جهان را فرا می خواند که تحت درفش مارکسیزم – لنینیسم – مائوئیسم گرد آیند . این ایدئولوژی رهائی بخش و جانبدار می باید در اختیار پرولتاریا و تمامی ستم دیدگان قرار گیرد زیرا فقط این ایدئولوژی است که می تواند شورش توده ها را بسوی محور استعمار چند هزار ساله طبقاتی و آفرینش جهان نوین کمونیستی هدایت کند .

درفش سرخ کبیر مارکسیزم – لنینیسم – مائوئیسم را هر چه رفیع تر به اهتزاز در آورید !

26 دسامبر 1993

جنبش انقلابی انترناسیونالیستی

دوشعر از

صعودي دوباره جين گان

این آرزوي ديرين	با من همیشه همراه
برقله هاي سيمين	از ابرها گذشتن
از شهر دوردستان	بس ، آدم دوباره
بر صخره هاي جين گان	تا باز پا گذارم
تصويرهاي ديروز	يكسر شده دگرگون
پيچد به دره ، امروز	آواز مرغ انجير
صد جويبار جاريست	صد چلچله زند چرخ
گوئيش انتها نيست	تا آسمان رسد راه
از معبر هوان بان	وقتیکه راه بگذشت
هيچ است نزد انسان	زان پس دگر خطر ها
تندر به کار بيداد	توفان به جنب و جوشست
پر مي زنند در باد	صدها درفش گلگون
پر مي کشد سبکبال	ایام – چون پرستو-
بگذشته چند دهسال	تا چشم همزني زود
هرکار مي توان کرد	هرراه مي توان رفت
از کام شير آورد	با رنج مي توان گنج
بايد بودن ماه	از آسمان هفتم
از قعر پنج دريا	با صيد لاک پستان
با خنده و ترانه	باشد که باز گردیم
درجاي جاي خانه	آواز فتح خوانيم
پيچيده کار دنيا	دشوار نيست هرگز
بين فتح قله ها را	جرئت کن و خطر کن

* * * * *

مانوتسه دون

دوپرنده : يك گفتگو

سیمرغ ز آشیان برآمد و تا اوج پر گرفت
 از آسمان اول و دوم گذشت ، رفت
 همراه گردباد تا مرز هفت رفت .
 آنگاه ز آن فراز نگاهی به قعر کرد - برروستا
 و شهر -

تاوارسی کند جهان بشر را به يك نظر
 از بارش مداوم خیل گلوله ها
 دروازه بهشت می سوخت بی امان
 در کام شعله ها .
 برجای جای کاخ خدایان شده سوار
 غران و پرخروش - امواج انفجار
 لرزان در آشیان ، گنجشککی حقیر می خواند زیر لب :
 " اینجا جهنم است !

باید که پرکشم ، بار سفر کشم ! "
 " خواهی که پرکشی ؟ " - سیمرغ بانگ زد -
 " بار سفر کشی ؟ اما کجا ؟ بگو ! "
 : " اهل کدام دیاری تو ؟ بی خبر !
 مقصود روشن است ، قصر زمردین آنسوی تپه ها
 در سرزمین جن و پری - بهتران زما ! -
 از آن زمان که قول و قرار ی سه گانه شد
 در ماهتاب روشن پائیز بر قرار
 بگذشته فصل خزان دست کم دوبار
 آنجا خوراک خوب و فراوان برای ماست ،
 دیگ بزرگ طاس کبابی بر آتش است ... "

: " بس کن !
 بدور فگن مهملات را !
 دنیاست زیرو رو ،
 یکدم بخود بیا ! "

درباره اوضاع جهانی

بیانیه جنبش انقلابی انترناسیونالیستی مورخه سال 1984 خاطر نشان کرد که: " جهانی که پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفت به سرعت از نقطه ترکهایش، شکاف بر می دارد. مناسبات اقتصادی و سیاسی جهان یا بعبارتی " تقسیم بندی جهان " که در جریان و متعاقب جنگ جهانی دوم برقرار شد. دیگر با نیاز های قدرتهای امپریالیستی گوناگون جهت بسط و گسترش " مسالمت آمیز " امپراتوریهای سودشان خوانایی ندارد. جهان شکل گرفته بعد از جنگ جهانی دوم، در نتیجه درگیریهای بین امپریالیست ها و بویژه بخاطر مبارزات انقلابی دستخوش تغییرات مهمی بود، اما امروز کل شبکه مناسبات اقتصادی، سیاسی و نظامی آن به زیر سوال کشیده شده است. ثبات نسبی قدرتهای مهم امپریالیستی... در حال بهم خوردن است.

مبارزات انقلابی ملل ستم دیده بار دیگر اوج می یابد و ضربات جدیدی بر نظم جهانی امپریالیستی وارد می کند... تشدید تضاد ها سیر نزولی نداشته بلکه در آینده بسیار تکان دهنده تر و ناگهانی تر از پیش، همه کشورها و مناطق جهان و بخش های از توده ها که سابقا دچار رخوت بوده یا از حیات سیاسی کناره گرفته بودند را به گردونه تاریخ جهان وارد خواهد کرد. بنابر این کمونیست های انقلابی باید آماده شوند و کارگران آگاه و بخش های انقلابی مردم را آماده کنند و مبارزات انقلابی شان را بر انگیزند.

تحلیلی که بیانیه از بی ثباتی نظم کنونی جهان ارائه داد و فراخوانی که مبنی بر تدارک اضطراری صحت مواجه با تغییرات و جهش های ناگهانی در سیر تحولات جهان صادر کرد توسط وقایع جهان به اثبات رسید هر چند بیانیه نتوانست چرخش اوضاع را به همان شکلی که رخ داده یعنی تلاشی اردوی سوسیال امپریالیزم شوروی و تخفیف رقابت حاد میان دو بلوک امپریالیستی به سرکردگی آمریکا و شوروی که جهان را به آستانه جنگ جهانی کشانده بود، پیش بینی کند.

در چارچوب بحران عمق یابنده نظام امپریالیستی، مشخصات اصلی اوضاع کنونی جهان چنین است: بپا خیزید مبارزات ملل ستم دیده جهان بویژه دستاوردهای شکوهمند جنگ خلق در پرو، ظهور طغیان های توده ای حتی در دل هیولاهای امپریالیستی، ظهور مجدد امپریالیزم آمریکا بعنوان تنها سرژاندارم نظم امپریالیستی مداخله و تجاوز امپریالیستی علیه ملل ستم دیده تشدید استثمار و حمله به توده ها در ملل تحت ستم و حتی خود کشورهای سرمایه داری و شکل گیری صف بندی های جدید میان قدرت های امپریالیستی.

خیالات خام امپریالیستی مبنی بر " نظم نوین جهانی "

تلاش اردوگاه شوروی امپریالیستی در واقع تبارز مهمی بود از بحران وخیم گریبانگیر کل نظام امپریالیستی، که اتحاد شوروی یک رکن بزرگ آن بود در فردای فروپاشی اردوگاه شوروی، امپریالیستهای آمریکایی با تفرعن تحمیل یک " نظم نوین جهانی " را اعلان کردند. جهت خوشایند کردن این نظم " نوین " برای دنباله روان شان در آمریکا و ساده لوحان، امپریالیستها آنرا در لفافه عباراتی چون " احترام به قوانین بین المللی " و " عصر جدید صلح "، " دموکراسی "، " مبارزه با استبداد و دیکتاتوری " و حتی " حقوق بشر " پوشاندند. قدرت های امپریالیستی که تا همین دیروز گلوی یکدیگر را می دریدند، نمایشی عاشقانه براه انداختند. سازمان ملل متحد و دیگر نهاد های جهانی امپریالیستها بعنوان پاسداران " عصر جدید صلح جهانی " معرفی شدند.

امپریالیستها امید های شهرینی داشتند که ماهیت واقعی فروپاشی بلوک سوسیال امپریالیستی شوروی را ببوشانند و ازین واقعه برای ربودن سلاح ایدئولوژی انقلابی کمونیزم از دست توده ها سود جویی کنند . نظریه برادران آنها همدوش با مرتجعین و رویزیونیست های رنگارنگ یک تحرك ضد انقلابی را آغاز بندند و اعلام کردند . آرمان کمونیستی دست یافتن به جهانی عاری از استثمار ، مرده است و حتی مدعی " پایان تاریخ " شدند . امپریالیزم ، ارتجاع و رویزیونیزم به لاف زنی پرداختند تا بیرق پوشیده و رنگ و رورفته " دموکراسی " ، این حاکمیت غیر انسانی و خونخوار سرمایه را به هوا بلند کنند و آنرا بعنوان تنها الترناتیف عرضه نمایند . این بدون شك یک توطئه تبهکارانه بود ، اما نتایج زشت و خونینش عریان تر از آن بود که بتوان پنهان کرد . اولین پرده نمایش نظم " نوین " جهانی تجاوز سبعمانه آمریکا به عراق بود که به کمک سایر قدرت های امپریالیستی و همراه با نسخه امروزی " لژیون سربازان خارجی " متشکل از سربازان کشورهای تحت سلطه امپریالیزم انجام شد . هدف از این کار ایجاد امپراتوری خواه و ارباب و به انقیاد واداشتن ستمدیدگان بود . اما همین کار کمک کرد که نقاب " صلح طلبی " آنها پاره پاره شود و این تجربه بار دیگر ثابت کرد که رژیم های کمپرادور درکشورهای تحت سلطه هرگز نمی توانند ضربات قاطع و سازش ناپذیر براربابان امپریالیست شان وارد آورند . امپریالیستها نمایش خلع سلاح براه انداختند اما صلح هرگز از مجالس ضیافت این خون آشامان حاصل نمی شود . علیرغم عقد همه این توافق نامه ها به پیمانها ، امپریالیستها بویژه آمریکا و روسیه امپریالیستی کنونی همچنان زرادخانه های مرگبار ، با ظرفیت نابود کردن چند بار ، جهان ، در اختیار دارند . امپریالیستها دم از عصر جدید " توسعه و همکاری " می زنند اما این فقط به تشدید استثمار حاد توده ها در کشورهای تحت سلطه و درخود کشورهای امپریالیستی ، یعنی بفلاکت بیشتر مولدین واقعی انجامیده است . درکشورهای بلوک شوروی سابق ، منجمله در روسیه ، حاکمیت اربابان سرمایه به طور فزاینده پرده های توهم را می برد و رویای خوشبختی و رشد عاری از بحران را نقش بر آب می کند . رویاهای امپریالیست های غربی مبنی بر فایق آمدن در بحران نیز تبدیل به کابوس شده است چرا که بیش از پیش در این گرداب پائین رانده می شوند و هرکجا دست به فتنه گری می زنند پاسخ می گیرند . امروز آنها حتی درکشورهای خود آماج خشم ستم دیدگان هستند . سیرتند وقایع بار دیگر بر بی ثباتی اوضاع جهانی تاکید می گذارد . بوق و کرنای تعرض ارتجاعی که همین چند سال پیش گوش ها را کر می کرد به خاموشی می گراید . هر روز تعداد بیشتری از توده ها در چهار گوشه جهان به صفوف مقاومت شورش و انقلاب می پیوندند . آنها هر چه بیشتر به ورشکستگی رویزیونیست های خوارپی می برند و ظهور قدرت سرخ در کوههای رفیع پرو را خوشآمد می گویند و راه های قدرتمند تری برای ضربه زدن به ستمگران جستجو می کنند .

" آشوب عظیم " خوبست

همانطور که مائوتسه دون رهبر کبیر پرولتاریای جهانی بما آموختانده ، امپریالیزم همیشه سنگهای بزرگی برای پرتاب بسوی ستمدیدگان برمیدارد ، اما دست آخر روی پای خودش می اندازد . این کاملاً وصف الحال اوضاع کنونی جهان است . لاف زنی های امپریالیستها پیرامون نظم " نوین " جهانی شان وسیر وقایع بدون شك ثابت کرده که از این نظام آدمخوار ذره ای هم امید خیر نباید داشت . نهادها ، نوکران مرتجع و مهره های رویزیونیست آنها بیش از پیش افشا می شوند . جنگ خلق د رپرو مناطق آزاد شده ای را بوجود آورده که بار دیگر طبقه مادرانجا قدرت خلق را بر قرار کرده است . در کشورهای تحت سلطه یا به عبارتی " مراکز توفانی "

انقلاب جهانی ، مبارزه و مقاومت توده ها علیه امپریالیزم و نوکران مرتجعش اوج می یابد . آنها رهبران خود فروخته و قدیمی را کنار می زنند . نسلهای نوین و وظیفه به پیش راندن مبارزه را بدوش می گیرند . جوشش و قیام به درجان گوناگون در میان تمامی بخشها و ستمدیدگان ، بین زنان ، جوانان و تحتانی ترین اقشار توده ها که قرن ها اسیر اشکال متنوع و هیولائی ارتجاع بوده اند ، وجود دارد . به تازگی ، امپریالیزم آمریکا ، این قلدر نفرت انگیز در خاک خود سیلی جانانه ای از جانب قربانیان ستم طبقاتی و نژادی اش خودرده است . نیزه های تیز توده های ستمدیده در کشورهایی که امپریالیستها جرئت تجاوز به آنها را بخود می دهند پیکر این ببرهای کاغذی را نشانه می رود . موج عظیم " آشوب انقلابی " در حال شکل گیری است و این امر خوب است . همه تضاد های اصلی یعنی تضاد بین ملل ستمدیده و قدرتهای امپریالیستی ، تضاد بین پرولتاریا و بورژوازی در کشورهای امپریالیستی و تضاد میان قدرتهای امپریالیستی ، در پرتو بحران عمیق یابنده نظام جهانی امپریالیستی دستخوش تغییراتی هستند . در این میان ، تضاد بین ملل ستمدیده و قدرتهای امپریالیستی ، و بنحوی حائز اهمیت هرچند تبعی ، تضاد بین پرولتاریا و بورژوازی در کشورهای امپریالیستی در حال تشدید است . تلاش اردوگاه امپریالیستی شوروی تضاد درون امپریالیستی را نسبت به قبل تخفیف داده است . اما تبانی میان امپریالیست ها مبتنی بر رقابت و امروز می توان آنرا در تغییر صف بندی ها و رقابت جوئی های جدید میان قدرتهای امپریالیستی در مواجهه با بحران عمق یابنده نظامشان و مبارزات رشد یابنده مردم دید .

به قول بیانیه سال 1984 در زمانه ای که دورنمای بینظیری برای انقلاب در حال شکل گیری هستند " باید هشیاری انقلابی خویش را بالا برده و آمادگی سیاسی ، ایدئولوژیک ، تشکیلاتی و نظامی مان را جهت بهترین استفاده از فرصتهای موجود در خدمت به منافع طبقه خویش و کسب پیشرفته ترین مواضع ممکن برای انقلابی جهانی پرولتاری ، افزایش دهیم " . وجود جنبش انقلابی انترناسیونالیستی و احزاب مائوئیست متحد در آن ، شالوده قدرتمندی را برای دست یابی به این هدف فراهم کرده است . باید این هدف را متحقق کرد . خاصه آنکه کمونیستها باید سلاح مارکسیزم - لنینیزم مائوئیزم را در کف میلیونها توده ستمدیده قرار دهند ، در جریان مبارزه بی رحمانه علیه اشکال رنگارنگ و کهنه و جدید رویزیونیزم آن را حفاظت کنند ، احزاب مائوئیست را در کشورهایی که هنوز حزب مائوئیستی موجود نیست ایجاد کرده و هرآنجا موجود است آن را تقویت کنند تا جنگ خلق را جهت نابودی قطعی امپریالیزم و ارتجاع و پیشروی بسوی آینده شکوهمند کمونیستی تدارک ببینند ، ان را براه بیندازند ، گسترش دهند و به پیروزی برسانند .

26 دسامبر 1992

جنبش انقلابی انترناسیونالیستی

در بزرگداشت صدمین سالگرد تولد مائوتسه دون

امروز 26 دسامبر سال 1993 ، صدمین سالگرد تولد مائوتسه دون یکی از رهبران و آموزگاران کبیر جنبش بین المللی کمونیستی است ، رهبر و آموزگاری که جریان رهبری انقلاب چین و بویژه انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی و رهبری مبارزات کمونیست های جهان ، ایدئولوژی طبقه جهانی ما را به مرحله نوین مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم تکامل داد .

حزب کمونیست افغانستان ، فرارسیدن این روز فرخنده را به تمام کمونیست های انقلابی ، کارگران و توده های ستم دیده جهان خاصا افغانستان تبریک می گوید و آنها را فرا می خواند که مبارزه برای سرنگونی ارتجاع و امپریالیزم و ایجاد جهانی فارغ از استثمار و ستم را در مسیر ترسیم شده توسط مارکس و لنین و مائوتسه دون به پیش برند . این فقط این راه است که باطریق طریق در آن می توان به نجات و رهائی حقیقی دست یافت و نه هیچ راه دیگری .

با استفاده از این فرصت ، یک بار دیگر با صراحت و آشکارا اعلان می نمائیم که کمونیست هستیم و هدف غائی ما تحقق کمونیزم در جهان است ، مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم را به مثابه ایدئولوژی رهنمائی اندیشه و عمل خود پذیرفته ایم و برای پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در افغانستان به مثابه مرحله ای برای گذار به انقلاب سوسیالیستی ، از طریق تدارک ، برپایی پیش برد جنگ دراز مدت توده ای (جنگ خلق) نبرد می نمائیم . بگذار با حرکت جانبازانه ، فداکارانه ، بی امان و بی برگشت درین مسیر انقلابی و پرافتخار ، بطلان یاوه های مرتجعین حاکم بر کشور و اربابان امپریالیست شان را که از مرگ کمونیزم در افغانستان و جهان لاف میزنند ، به وضوح نمایان سازیم و دروغ ها و نیرنگ های شان را افشاء و رسوا نمائیم .

امپریالیستها ، نابودی سوسیال امپریالیزم شوروی و بلوک تحت رهبری اش را بنام " مرگ کمونیزم " تبلیغ می نمایند و با ند های ارتجاعی دست پرورده و مزدور شان در افغانستان نیز با استناد به فروپاشی رژیم دست نشانده ، نجیب ، این ادعای دروغین را پیوسته تکرار می کنند .

اما نابودی سوسیال امپریالیزم شوروی و بلوک وارسا و نیز فروپاشی رژیم مزدور نجیب در چارچوب تبانی و سازش با مرتجعین اسلامی هیچگونه ربطی به مرگ کمونیزم در جهان و نابودی کمونیزم در افغانستان ندارد ، بلکه صرفا نشان دهنده اوضاع بحرانی در کمپ ارتجاع و امپریالیزم جهانی است . این وقایع فقط و فقط درستی و درخشش کمونیزم حقیقی (مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم) را بیشتر از پیش آشکار ساخت و سلاح ایدئولوژی که پرولتاریا را بازم جلا و صیقل داد .

مائوئیست های جهان تحت رهبری مائوتسه دون بیشتر از سی سال پیش ماهیت سرمایه دارانه و استثمار گرانه نظام حاکم بر شوروی بعد از استالین را شناسایی و افشاء کرده و علیه آن به پا خاستند و نشان دادند که حزب حاکم بر آن کشور یک حزب بورژوا - امپریالیست است و نه یک حزب کمونیست . همچنان جنبش مائوئیستی افغانستان از همان ابتدای ایجادش در اواسط دهه 40 شمسی ، سرشت ارتجاعی و ضد کمونیستی باندهای مزدور سوسیال امپریالیزم شوروی در کشور را درک نموده و مبارزات کوبنده و سازش ناپذیری را علیه آنها به پیش برد .

حزب کمونیست افغانستان بر مبنای مواضع مرامی اش همسو با موقف اصولی و استوار کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی ، شانه به شانه اهداف و سازمان های همزم شامل در جنبش ، در مواجهه و مقابله با جنگ صلیبی ضد کمونیستی مرتجعین و امپریالیستها ، درفش کمونیزم و انقلاب را بر افراشته نگه میدارد و آنرا بلند تر و بلند تر به اهتزاز درمی آورند .

باتاسف باید گفت که هستند کسانی از کمونیست های پیشین کشور که به درجات مختلفی به کارزار ضد کمونیستی مرتجعین حاکم و با داران امپریالیست شان پیوسته اند . راست ترین افراد از میان

اینها نظراً و عملاً بصورت آشکارا و علنی در صفوف ارتجاع جای گرفته و به خادمین پروپا قرص " انقلاب اسلامی " مبدل گردیده اند . بعضی از این نادمین و توابعین که کمونیزم را " ایدئولوژی وارداتی " و انقلاب را " استبداد منوره " می خوانند ، برای جدایی به اصطلاح دموکراسی کچکول بگردن آویخته و بسوی بارگاه های مرتجعین امپریالیست روی آورده اند . در این میان متقاعدین شرم گینی نیز وجود دارند که کمونیزم را در لفظ می ستایند و حتی از مبارزات کمونیست های انقلابی ستایش بعمل می آورند ، مگر کمونیزم را در شرایط افغانستان غیر قابل تطبیق میدانند و برای سرنوشت کمونیست ها از روی " دلسوزی " سر می جنبانند و آخ و اف سر می دهند . این تقاله های جنبش انقلابی کشور ، آنچنان از شخصیت و حیثیت و عزت نفس تهی شده اند که بهترین های شان مشتاقانه به استقبال جنایتکاران و ظن فروش و قاتل بهترین فرزندان مردمان میهن می شنابند و مجالست و مصاحبت با آنها را با صد فخر و مباحثات پذیرا می گردند . اینها در پیش گاه تاریخ محکوم اند . سیر پیشرفت آتی مبارزات انقلابی ، اینان را با خواری و ذلت به زباله دان تاریخ خواهد انداخت و فقط نام ننگینی از ایشان بجا خواهد ماند .

در طی بیست ماه گذشته ، درونمایه سیاه و سراپا ارتجاعي " انقلابیون اسلامی " و متحدین تازه مسلمان شده شان ، در تمامی ابعاد ایدئولوژیک ، سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی بیشتر از پیش آفتابی و برملا شده است . نظام منفور غارت و استثمار و ستم که اینان گردانندگان و محافظان آن اند ، هیچ چیزی برای بهروزی و خوشبختی توده های مردم در بر ندارد ؛ بلکه دردها ، رنج ها و آلام بی شمار آنها را تداوم می بخشد و پیوسته افزایش می دهد . تقلا و کوشش برای آرایش و اصلاح این سیستم و حاکمیت قرون وسطائی ، مبتنی بر توهمات ابلهانه و گمراه کننده است و در نهایت علیه مبارزات انقلابی توده ها قرار می گیرد . منافع والای خلق های افغانستان فقط و فقط از یک طریق می تواند تامین گردد و آن عبارت است از سرنگونی قهری و تام و تمام و این نظام نیمه مستعمراتی - نیمه فئودالی ضد مردمی و قدرتمندان فئودال - کمپرادور پلید آن ؛ تا بتوان بر ویرانه های آن دنیای نوینی بر پاداشت و پرولتاریا و زحمتکشانش را به سروران جامعه مبدل ساخت .

کارگران و زحمتکشانشان آگاه ! روشنفکران انقلابی !

حزب کمونیست افغانستان آگاهانه و مصمم در راه انقلاب گام گذاشته و با درک روشن از سختی ها ، پیچ و خم ها و پستی ها و بلندی های متعدد و گوناگون آن ، بی هراس و استوار و با دل و جان قربانی دادن ها و جانفشانی های فراوان درین راه را با خاطر کسب پیروزی پذیرا می باشد . ما شما را به پیوستن به این راه که سخت و دشوار گذار ، اما پر افتخار و پیروزی آفرین است ، فرا می خوانیم .

به مناسبت صدمین سالگرد تولد رهبر و آموزگار کبیر مان ، مائوتسه دون ، همه با هم ، یکبار دیگر ، این کلامش را با خاطر می آوریم و آن را پیوسته زنده نگه می داریم و مشعل راه مان می سازیم :

عزم راسخ داشته باش ، از قربانی نهراس ،

بر هرگونه مشکلی غلبه کن تا پیروز شوی !

زنده باد مارکسیزم - لنینیزم - مائوتیسم !

زنده باد کمونیزم ! زنده باد انقلاب !

فرخنده باد صدمین سالگرد تولد مائوتسه دون

حزب کمونیست افغانستان

1372/10/5 مطابق 1993 / 12 / 26

دوکارزار در مقابل هم

درصدمین سالگرد تولد مائوتسه دون ، دوکارزار ، بادوخصلت ذاتا متناقض ، براه افتاده اند . کارزاري که توسط مائوتستها ، مشخصا توسط جنبش انقلابي انترناسيوناليستي و هريك از اعضا آن ، پيش برده مي شود ؛ و کارزار ديگري که توسط دشمنان مائو يعني امپرياليست ها و مرتجعين رنگارنگ ، بويژه توسط دارودسته تين هسيائوپينگ و شرکاء يعني رويونيست هاي حاکم بر چين سازمان داده شده است .

کارزار براه افتاده توسط جنبش انقلابي انترناسيوناليستي ، بر تجليل و بزرگداشت شخصيت و خدمات عظيم مائوتسه دن به انقلاب و خلق چين و مهمتر از آن به پرولتاريا و خلق هاي جهان استوار است . اين کارزار با ارج گذاري به مجموع خدمات جهاني مائوتسه دون در تکامل کمونيزم انقلابي به سومين مرحله بويژه روي رهبري انقلاب فرهنگي پرولتري عظيم توسط مائوتسه دون ، انگشت تاکيد مي گذارد و آنرا بزرگترين خدمت وي به پرولتاريائي جهاني ، خلق چين و ساير خلق هاي دنيا محسوب مي نمايد . اين کارزار در خدمت پرولتاريا و خلق هاي جهان قرار دارد و موجي از امواج انقلاب جهاني بشمار مي رود .

اما کارزار ديگري که در مقابل کارزار فوق الذكر ، توسط امپرياليستها و مرتجعين رنگارنگ ، خصوصا رويونيست هاي چيني پيش برده مي شود ، متکي بر تقبيح و نکوهش از مائوتسه دون و خدمات عظيم وي به انقلاب جهاني چين است . امپرياليستهاي غربي ، علاوه بر آه و ناله از " قساوت هاي " زمان انقلاب فرهنگي ، با براه انداختن تبليغات حقيرانه - و عليه باصطلاح خصايل و اخلاقيات شخصي زشت مائوتسه دون ، مي خواهند شخصيت ويرا خورد سازند و خاطره تابناکش را از بين کارگران و زحمتکشان بزدايند . رويونيست هاي حاکم بر چين ، حالا ديگر تبليغات شخصي عليه مائوتسه دون را نمي بينند و آنرا باصطلاح محکوم مي نمايند ؛ زيرا ديگر نيازي به پيشبرد اينگونه تبليغات احساس نمي نمايند . آنها در زمانش ، اين گونه تبليغات را بقدر کافي عليه مائوتسه دون بويژه عليه همسر و رفيق همسرش چيان چي ، براه انداخته و پيش برده اند . اما اين که بيشتر از يك و نيم دهه از درگذشت مائوتسه دون مي گذرد و چيان چي در سال گذشته با دستان کثيف اين رهروان ناپشيمان را ه سرمايه داري به شهادت رسانده شده است . رويونيست هاي حاکم در چين ضرورتي به تبليغات شخصي عليه مائوتسه دون نمي بينند . آنها در عوض مجسمه بي زبان مائوتسه دون را بر پا مي دارند و ازوي باصطلاح تجليل بعمل مي آورند . اما بزرگترين خدمت وي بانقلاب جهاني و انقلاب چين يعني رهبري نظري و عظيم انقلابي فرهنگي پرولتري عظيم توسط ويرا سبعانه و کين توزانه نکوهش مي نمايند . جشني که رويونيست هاي چيني براه انداخته اند در حقيقت امر جشن تجليل از وي نيست ، بلکه مراسم رسمي دولتي بزرگي در تقبيح وي و خاصيتا تقبيح انقلاب فرهنگي محسوب مي گردد . حاکمان فعلي چين ، اين سرنگون کنندگان سوسياليزم و احياء کنندگان نظم کهن در چين ، که همان سرنگون شدگان و از سرير قدرت به زيرافتادگان زمان انقلاب فرهنگي اند ، کينه عميقي از آن انقلاب بدل دارند . علاوه بر آنها در مبارزه عليه تمايلات روزافزون اقشار مختلف مردم چين بطرف شعار ها و خاطره هاي مائوتسيستي ، که سخت باعث ترس و وحشت شان مي گردد ، يا جلوه دادن و بدنام کردن انقلاب فرهنگي را در مرکز تلاش ها و کوشش هاي رويونيستي شان عليه مائوتسه دون و مائوتيزم قرار داده اند .

رويونيست هاي وطني وابسته و دنباله رو رويونيستهاي چيني ويک تعداد ديگر از عناصر مرتد و پشت کرده بانقلاب که در دشمني با انقلاب فرهنگي با آنها همدستان و هم آوازند ، جرئت

نکرده اند که آشکارا علیه کارزار براه افتاده توسط حزب کمونیست افغانستان ، د ر بزرگداشت صدمین سالگرد تولد مائوتسه دون قرا ریگیرند . این امر یقینا نشان دهنده درماندگی و فقر ایدئولوژیک سیاسی آنها است ولی از جانب دیگر نشان دهنده حیلہ گری و دسیسه بازی شان نیز هست . آنها آشکارا علیه این کارزار قرار نمی گیرند اما در هر جایی که بتوانند محیلانه آنرا تخریب و تحقیر می نمایند تا بدین طریق جلو پیشروی حزب مارا بگیرند .

بگذار با برگزاري هرچه پرشکوه تر جشن صدمین سالگرد تولد مائوتسه دون و ادامه کارزار آن در ماه های آینده ، ورخشندگی و تابندگی و تابندگی کمونیزم انقلابی (مارکسیزم – لنینیزم – مائوئیزم) و بویژه سومین قله رفیع آن (مائوئیزم) را نمایان تر سازیم و باوه گوئی های امپریالیستها و مرتجعین رنگارنگ منجمله رویونیست ها و مرتدین اصلاح ناپذیر علیه ایدئولوژی ، طبقه در رهبران مان را نقش بر آب نمائیم .

برافراشته باد درفش ظفر نمون مارکسیزم – لنینیزم – مائوئیزم !

مرگ بر دشمنان رنگارنگ انقلاب و کمونیزم !

مرگ بر دشمنان مائوتسه دون !

قطعنامه جنبش انقلابی انترناسیونالیستی در مورد حمایت از جنگ خلق در پرو که توسط حزب کمونیست پرو رهبری می شود و دفاع از جان صدر گونزالو

جنبش انقلابی انترناسیونالیستی افتخار دارد که از همان ابتدای تشکیلش ، حزب کمونیست پرو (ح . ک . پ) را شامل در صفوف خود محسوب نموده و جنگ با شکوه خلق تحت رهبری (ح . ک . پ) را بمثابة پیشروترین مبارزه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی در جهان کنونی مورد توجه قرار داده است .

نیروهای مسلح خلق پرو تحت رهبری (ح . ک . پ) که در مه 1980 با قوای کوچکی آغاز به فعالیت نمودند ، در بحر توفانی مبارزه طبقاتی رشد نموده اند .

حزب کمونیست پرو با تکیه بر توده ها به ویژه دهقانان فقیر ، تعقیب راه محاصره شهرها از طریق دهات و نهراسیدن از قربانیها و مشکلات ، پیروزی های عظیمی بدست آورده ، حاکمیت خلق را در ساحات وسیعی از روستاها ایجاد نموده و در جنگ علیه رژیم ارتجاعی به مرحله تعادل استراتژیکی دست یافته است .

حزب کمونیست پرو با اطمینان کامل به پیروزی نهائی انقلاب دموکراتیک نوین ، با هدف رهنمائی آن به انقلاب سوسیالیستی در پرو و تبدیل کشور به پایگاهی برای پیشبرد انقلاب جهانی و دستیابی به هدف غائی کمونیزم در سراسر جهان ، رزمیده است .

همانند هر چیز دیگری در طبیعت و جامعه ، انقلاب در پرو روی یک خط مستقیم تکامل نیافته است . این انقلاب از درون مبارزه دشوار ، در رویارویی با یورش های تبهکارانه دشمن و با عبور از پیچ و خم ها ، به پیشروی ادامه داده است . این روند حزب را آبدیده و آهنین ساخته و آنرا توانمندی بیشتر برای پیشبرد انقلاب تا پیروزی بخشیده است .

پیشروی ها و پیروزی های جنگ خلق بر رهبری مارکسیستی – لنینیستی – مائوئیستی صدر گونزالو و کمیته مرکزی (ح . ک . پ) گواهی می دهند . حزب کمونیست پرو تحت رهبری صدر گونزالو با بکار بست خلاق مارکسیزم – لنینیزم – مائوئیزم در اوضاع خاص پرو ، نه تنها انقلاب پرو را قادر به پیشروی ساخت ، بلکه خدمات مهمی برای ارتقای سطح فهم انقلابیون پرو لتری سراسر جهان انجام داد .

در سپتامبر 1992 صدر گونزالو توسط رژیم ارتجاعی مورد مساعدت امپریالیسم ایالات متحده دستگیر گردید. از زمان دستگیری صدر گونزالو، تام جنبش انقلابی انترناسیونالیستی شعار، زمین و زمان را برای دفاع از جان صدر گونزالو، به لرزه اندازید " را بلند نموده اند. صد ها هزار نفر از کارگران، دهقانان، روشنفکران انقلابی و نیروهای مترقی در همه قاره ها، در يك کارزار بین المللی هماهنگ و نیرومند شرکت کردند. صدر گونزالو با ایراد خطابه تکان دهنده از درون قفس زندانش، به خلق جرئت بخشید و اسیر کنندگان خود را به حیرت انداخت. جنبش انقلابی انترناسیونالیستی، یکبار دیگر با صراحت اعلام می نماید که مصمم است مبارزه برای دفاع از جان صدر گونزالو را تا به آخر پیش ببرد.

امروز انقلاب در پرو همچنانکه به طرف تغییر قدرت سراسری ره می پوید، با مصاف طلبی های تازه ای روبرو گشته است. حزب کمونیست پرو که به ایدئولوژی شکست ناپذیر مارکسیزم – لنینیسم – مائوئیسم مسلح است و سیزده سال جنگ انقلابی آبدیده اش ساخته، ثابت نموده است که قادر است در مقابل هر حمله دشمن ایتسادیگی نموده و آنرا به شکست بکشاند، تحلیل درست از اوضاع جدید به عمل آورده و برآن چیره شود. در اصول استوار و در تاکتیک ها انعطاف پذیر باشد و بر هر مشکلی در راه نیل به پیروزی فایق آید.

جنبش انقلابی انترناسیونالیستی متعهد است که از کارزار دفاع از جان صدر گونزالو حزب کمونیست پرو رزمندگان قهرمان جنگ خلق و توده های مبارز پرو، بی باکانه و بی دریغ حمایت نماید.

جنبش انقلابی انترناسیونالیستی

26 دسامبر 1993

(بازتایپ کننده : حبیب)